

سیره اخلاقی و خانوادگی مادران اهل بیت علیهم السلام

امل بحرانی پور*

چکیده

یکی از زوایای قابل توجه در سیره اهل بیت علیهم السلام حضور زنان شایسته و کاردان در زندگی ایشان است. از آنجا که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که خداوند هرگونه پلیدی را از آنان دور ساخته و آن‌ها را پاک و پاکیزه نموده است، معیاری درست جهت ارزش‌گذاری اخلاق و سلوک انسانی به شمار می‌آیند، لذا سیره اخلاقی و خانودگی همسران ایشان نیز می‌تواند در جهت الگوسازی زنان مسلمان به کار گرفته شود.

در این مقاله صفاتی چون؛ ایمان، عشق به خداوند، تربیت صحیح فرزند و فداکاری در راه عقیده و اخلاص مادران و همسران اهل بیت علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مادران امامان معصوم علیهم السلام، ایمان، تقوا، پاکدامنی، سیره

اخلاقی و خانودگی.

* استاد مدرسه عالی خواهران جامعه المصطفی العالمیه مشهد.

مقدمه

همه می‌دانیم که از دامان پر مهر مادران معصومین علیهم السلام برجسته‌ترین شخصیت‌ها و کامل‌ترین افراد نوع بشر پا به عرصه وجود نهادند. پیداست که حمل و باروری چنین وجودهای نورانی تنها متناسب با مادرائی است که با فرزندان خود امامان معصوم علیهم السلام سنخیت روحی و اخلاقی داشته باشند.

هرچند به دلیل اختناق سیاسی عصر امامان علیهم السلام و کم‌توجهی تاریخ‌نگاران که معمولاً از مخالفان اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و تعصبات شدیدی که بسیاری از آنان نسبت به خاندان نبوت داشتند و نیز به دلیل محدودیت‌هایی که

به طور طبیعی در میان بانوان وجود داشته و دارد و هم چنین ملاحظات امنیتی و سیاسی که برای حفظ جان امامان علیهم السلام و بستگان نزدیک آنان وجود داشت، در مورد نزدیکان و وابستگان به امامان علیهم السلام مطالب کمتری آمده است. اما از لابلای توصیفات که امامان علیهم السلام از مادران و همسران خود داشته‌اند و نیز با توجه به فضایی که در مادران عالی‌مقام اهل بیت علیهم السلام عصمت باید وجود داشته باشد، می‌توان دورنمایی از سیره اخلاقی و خانوادگی این مرواریدهای گرانبها ترسیم کرد. گران

ما برای اصلاح جامعه امروزی بیش از هر چیز به مادرائی نیازمندیم که در دامن پاک و با تقوای الهی خویش فرزندی خداجو تربیت و به جامعه تحویل دهند. زنان برای نیل به این مقام، الگویی جز مادران امامان علیهم السلام ندارند و همه این نتایج در گرو شناخت مادران امامان علیهم السلام و انس و الگوگیری از آنان است. برای این منظور بحث را از سیره حضرت آمنه علیها السلام مادر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز نموده و تا حضرت نرجس خاتون مادر حضرت مهدی علیه السلام به پایان می‌رسانیم. تا به این امید؛ بانوانی که به دنبال دستیابی به گوهر کمال خویش هستند از سرگذشت زندگی این بزرگواران الگو بگیرند.

(۱) حضرت آمنه علیها السلام؛ مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

آمنه علیها السلام دختر وهب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب بن مره است و نام مادر او "بره" دختر عبد العزی می باشد. او دختر کسی بود که سید و سرور بنی زهره شمرده می شد. در شهر مکه بعد از حضرت خدیجه کبری علیها السلام هیچ زنی به جلالت و قدر و مقام حضرت آمنه علیها السلام خاتون نمی رسید. در مقام آن بانوی مخدره این گونه روایت شده است؛ او یک بانوی نورانی و رخسارش مانند قرص ماه بود. و از نظر جمال و کمال از بهترین زنان و از نظر حسب و نسب از همه با فضیلت تر بود. آمنه علیها السلام بانویی متدین، ادیب، عاقل و فصیح الکلام و بلیغ البیان بود و خداوند، لباس زیبای غیر قابل توصیفی بر او پوشانده بود (کجوری مازندرانی، بی تا: ۴۴۲ به نقل از بحار الانوار، ج ۱۵).

ایشان سرور مادران امامان معصوم علیهم السلام است. نام مادر برای آن بانوی بزرگوار، زبینه و دارای زیبایی خاصی است، زیرا او حامل بزرگترین امانت الهی و هدایت کننده بشر است. وی از بهترین و نجیب ترین زنان هستی بود، زیرا لیاقت مادر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله را پیدا نمود (مظفری، ۱۳۸۲: ۱۵).

حضرت آمنه علیها السلام مدت بسیار کوتاهی در کنار همسر باوفایش عبد الله زندگی مشترک داشت و پس از وفات عبدالله ازدواج مجدد نداشت و هر سال برای زیارت عبدالله به مدینه می رفت (مامقانی، بی تا: ج ۳، ۶۹).

آمنه علیها السلام با این که عمر کوتاهی داشت ولی با کمال دقت و مراقبت، تنها فرزند خویش را پرورش می داد تا در این مرحله از زندگی که برای یک کودک؛ حساس و سرنوشت ساز است و نویسندگان سیره نیز به آن اهمیت زیادی داده اند، تأثیر مثبت و لازمی بر فرزند عزیز خویش داشته باشد.

ابن اسحاق که بزرگترین سیره نویس است؛ می نویسد: پیامبر خدا با مادرش آمنه بنت وهب در پناه خدا و در حفظ او بودند، خداوند او را به نیکی رشد می داد، تربیت مادر، اثر خود را

ظاهر کرد. در محمد ﷺ نشانه‌های پختگی و اتکا آشکار بود. آمنه به خوبی می‌دید که فرزندش در سن شش سالگی، هم‌چون مردی بزرگ می‌اندیشید (بنت الشاطی، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

۲) حضرت خدیجه کبریؓ؛ مادر حضرت زهراؓ:

حضرت خدیجهؓ دختر خویلد بن اسد است که از قبیلهٔ قریش بود و از ریشه‌دارترین خانواده‌های عرب محسوب می‌شد. ایشان به دوراندیشی و خردمندی معروف بودند و او را "ملکهٔ بطحاء" می‌گفتند. و مهم‌تر این که حتی قبل از اسلام وی را "طاهره" و "مبارکه" و "سیده زنان" می‌خواندند (محلاتی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۱۵۴).

خدیجهؓ این بانوی آگاه و پاک‌سرشت، از همان دوران جوانی نیز یکی از مشهورترین زنان حجاز و عرب به شمار می‌رفت و حتی پیش از ازدواج با پیامبر نیز، از شهرتی شایسته برخوردار بود. چنان که نام وی نه تنها در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ اعراب و قبایل عرب و در آثار و نوشته‌های مورخین غیر اسلامی نیز، به عظمت و تجلیل، یاد شده است (ر.ک: بزرگ بانوی اسلام، علی نظری مومن‌آبادی).

ایشان نخستین همسر رسول گرامی اسلام ﷺ و اولین بانوی مسلمان و مادر حضرت زهراؓ است که در رشد و گسترش اسلام نقش ارزنده‌ای ایفا کرد.

حضرت خدیجهؓ در هنگام ازدواج حتی مهریهٔ خود را به پیامبر بخشید و هدیه داد و هنگام ازدواج نیز خانهٔ خود را در اختیار پیامبر ﷺ قرار داد و فرمود: ای محمد خانهٔ من، خانهٔ توست و کلید همهٔ صندوق‌ها در اختیار تو، و من از امروز کنیز و فرمانبر تو هستم. و بر اثر این پیوند زناشویی، تمامی ثروت خدیجهؓ در اختیار حضرت محمد ﷺ قرار گرفت و آن حضرت پس از مبعوث شدن به پیامبری، تمام آن ثروت هنگفت را در راه پیشرفت اسلام و در راه خدا صرف کرد.

حضرت خدیجهؓ به حقیقت از محبوب‌ترین و برترین زنان پیامبر ﷺ بوده و تا هنگامی که خدیجه زنده بود میان او و پیامبر ﷺ هیچ‌گاه اختلافی روی نداد؛ لذا پیامبر از او راضی و قدردان بود (ر.ک: رسولی محلاتی، بی‌تا: ج ۴، ۵۲) تأثیراتی که حضرت خدیجهؓ

در زندگی با پیامبر ﷺ داشت، به حدی بود که رسول خدا ﷺ بارها به ستایش او پرداخت و او را یکی از بهترین زنان جهان شمرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۶، ۲).

در صحیح بخاری و مسلم به نقل از عایشه آمده که: «بزرگی و شرافتی که نصیب خدیجه شده بود نصیب هیچ یک از زنان پیامبر ﷺ نشده بود. زیرا خدیجه سه سال پیش از آن که پیامبر ﷺ با عایشه ازدواج کند رحلت نمود اما نامش پیوسته بر سر زبان پیامبر ﷺ بود و آن حضرت هر گاه گوسفندی ذبح می نمود دوستان خدیجه را از آن بی نصیب نمی گذاشت. آن حضرت می فرمود: خدیجه حبیبۀ من و زن خردمندی بود و من از او صاحب فرزند هستم و دوستی او رزق من شده است» (حجاج نیشابوری، بی تا: ج ۷، ۱۳۴).

بانوی بزرگوار حجاز، با این که از تمام مواهب دنیایی برخوردار بود و جمال و کمال، شور و شعور، فهم و درک، شهرت و آوازه نیک و اقتدار و استقلال داشت، از آفت‌ها و مستی‌های آن‌ها نیز خویشتن را مصون و محفوظ داشته و دارای روح حق جو و حق طلب و حق پذیر بود به خاطر همین خداوند متعال فرشته وحی را فرمان داد که به هنگام فرود بر پیامبر، درود و سلام او را نیز به وسیله بنده برگزیده اش به خدیجه، مادر فضیلت‌ها و فداکاری‌ها و شایستگی‌ها برساند و خاطر نشان سازد که خدا به پاداش این ایمان خالص و ژرف و آن عمل شایسته و گذشت و آن اخلاص و فداکاری و پایداری، قصر زیبایی در بهشت برای او آماده ساخته است (تذکره الخواص، ص ۳۰۳).

حضرت خدیجه رضی الله عنها با این همه فداکاری و ایثار زمانی که رحلتش فرا رسید به پیامبر ﷺ چنین می گوید: ای رسول خدا... من در حق تو کوتاهی کردم و آن چه شایسته تو بود، انجام ندادم، از من در گذر و اگر اکنون دل در طلب چیزی داشته باشم، خشنودی توست. پیامبر ﷺ فرمود: ای خدیجه آیا می دانی که خداوند تو را در بهشت نیز همسر من قرار داده است؟ آن گاه از خدیجه رضی الله عنها دلجویی و تفقد کرد و او را وعده بهشت داد و درجات بهشت را به شکرانه خدمات او توصیف فرمود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۱).

آری خدیجه کبری آن قدر عظمت دارد که هر جا زیارت‌نامه معصومین از امامان علیهم‌السلام و امام‌زادگان وارد شده نام محترمه این بانو زبینه آن قرار گرفته و خوانندگان، به وی درود می‌فرستند.

۳) فاطمه بنت اسد؛ مادر امام علی علیه‌السلام:

فاطمه دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف است. او اولین زن "هاشمی" است که از مردی "هاشمی"؛ یعنی ابوطالب صاحب فرزند شده است (ابن الخشاب البغدادی، بی‌تا: ۱۳). فاطمه زندگی بزرگوارانه‌ای را در کنار ابوطالب تجربه نمود. او مسئولیت‌های سخت و سنگین اداره خانه را با صبوری، صداقت، اخلاق نیکو، طهارت، صفا، محبت و ایمان و با شادمانی و شادابی بر عهده گرفت و ابوطالب از وی صاحب فرزندان نجیب شد. که امام علی علیه‌السلام کوچک‌ترین فرزند آنان بود.

ایشان دارای فکری نورانی، روحی لطیف و درونی پاک بود که خدای سبحان توفیق ایمان حقیقی و عمل صالح به او بخشید و او را همسر ابوطالب علیه‌السلام که مسلمانی فداکار و مجاهد و حامی همه جانبه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود قرار داد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۵، ۶۸).

او تنها بانویی بود که هنگام وضع حمل دیوار خانه خدا برایش شکافته شد و کعبه او را پناه داد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز او را به منزله مادر خویش قرار داد. هم‌چنین ایشان مادر فاطمه زهرا علیها‌السلام بعد از خدیجه بود و هنگامی که خدیجه علیها‌السلام از دنیا رفت، حضرت زهرا علیها‌السلام پنج سال بیشتر نداشت و فاطمه بنت اسد برای او مادری می‌کرد و در دامان خود حضرت زهرا علیها‌السلام را سرپرستی نمود (محلاتی، ۱۳۶۸: ج ۴، ۳). فاطمه بنت اسد علیها‌السلام درس شجاعت، درستکاری، اعتقاد به خداوند، یکتاپرستی، پایبند بودن به دین حنفا، محبت، قناعت، مردم‌داری و... را به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام آموزش دادند (محمودی، ۱۳۸۷: ۵۰).

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیراهن خود را کفن فاطمه بنت اسد قرار دادند و وارد قبر وی شده و با دستان خود ایشان را در قبر نهادند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۸۱، ۳۵).

ابن عباس می گوید: پیامبر ﷺ بر فاطمه بنت اسد مادر امیر المومنین ﷺ نمازی خواند که پیش از آن بر کسی نخوانده بود. سپس چهل تکبیر گفت. عمار عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ چرا چهل تکبیر بر او گفتی؟ فرمود: ای عمار! به جانب راستم توجه کردم چشمم به چهل صف از ملائکه افتاد برای هر صفی تکبیری گفتم. (وسائل، باب ۶ از ابواب صلاحه الجنازه، حدیث ۸).

با توجه به زیارت نامه‌ای که در مورد ایشان به ما رسیده است، می توان به خوبی به سیره اخلاقی و خانوادگی این بانوی بزرگوار پی برد. "السلام علیک ایتها الصدیقه المرضیه، السلام علیک ایتها النقیه النقیه، السلام علیک ایتها الکریمه الرضیه، السلام علیک یا کافله محمد خاتم النبیین، ، السلام علیک یا من ظهرت شفقتها علی رسول خاتم النبیین..." (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ۲۱۸-۲۱۹).

۴) حضرت فاطمه زهرا ﷺ؛ مادر امام حسن و امام حسین

روایت‌های اسلامی بر نقش شوهرداری زن تأکید دارد و مهم‌ترین وظیفه زن را خوشرفتاری با شوهر می‌داند. و زندگی حضرت زهرا ﷺ در این زمینه سرمشق خوبی برای زنان مسلمان است که امام علی در باره شوهرداری حضرت زهرا ﷺ فرمودند: "در طول زندگی با فاطمه ﷺ هرگز مخالفتی از او ندیدم و هیچ‌گاه، کاری برخلاف میل من انجام نداد (مناقب خوارزمی، بی تا: ۳۵۳).

زندگی دختر پیامبر ﷺ با امام علی بسیار ساده و بی آرایش بود. حضرت علی در این باره می‌فرماید: "وقتی با فاطمه ازدواج نمودم؛ غیر از پوست گوسفند چیزی نداشتیم. شب‌ها روی آن می‌خوابیدیم و روزها پشت آن به شترمان علف می‌دادیم (ابن کثیر، بی تا: ج ۷، ۳۴۲).
ایشان فاطمه ﷺ تمام مشکلات را تحت الشعاع قرار داده بود. فاطمه در سخت‌ترین شرایط چیزی از همسرش مطالبه نمی‌نمود تا مبادا باعث به زحمت افتادن همسرش شود. حضرت زهرا ﷺ چون دیگر زنان جامعه کار می‌کرد. گندم را با آسیاب دستی آرد می‌نمود،

نان می‌پخت، کار روزانه را انجام می‌داد، به بچه‌داری و تربیت کودک توجه کامل داشت. در زندگی مشترک و نورانی فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام اولین و مهم‌ترین چیزی که برای آنان اهمیت داشت رعایت حقوق یکدیگر بود. پیامبر صلی الله علیه و آله کارهای داخل خانه را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون از منزل را به علی علیه السلام واگذار کردند. در این حال فاطمه علیها السلام فرمود: فقط خدا می‌داند که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کارهای خانه مرا از هم‌اوردی و رویارویی با مردان بی‌نیاز داشت، من چقدر شاد و خرسند شدم (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۱، ۴۳).

یکی از وظایف سنگین و مهم حضرت زهرا علیها السلام بچه‌داری و تربیت فرزندان بود. ایشان می‌دانست که باید امام تربیت کند و نمونه‌هایی را به جامعه تحویل دهد که آینه و معرف حقیقت و روح اسلام باشند و می‌دانست باید مانند امام حسین علیه السلام تربیت کند که در موقع احتیاج اسلام، جان خود و عزیزانش را در راه دفاع از دین فدا کند و دخترانی مانند حضرت زینب علیها السلام را پرورش دهد که با خطبه‌ها و سخنرانی‌های خود دست‌گاه بنی امیه را رسوا کند. دختر پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندان خود را از همان کودکی به انجام تکالیف فراخواند و آنان را به خدا پیوند داد. به عنوان مثال به فرزندش حسن علیه السلام که هفت ساله بود، می‌فرمود به مسجد برو و آن چه را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن. امام حسن علیه السلام همین کار را می‌کرد و بعد به خانه می‌آمد و با سخنرانی شیرین خود بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله را برای حضرت زهرا علیها السلام بیان می‌نمود (نیلی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۶۸).

روش عبادتی حضرت زهرا علیها السلام برای کودکانش این‌گونه بود که نمی‌گذاشت کسی از اهل خانه در شب قدر به خواب رود، به آنان غذای کم می‌داد و از روز قبل برای احیاء شب قدر آماده می‌نمود و می‌فرمود: محروم کسی است که از برکات این شب محروم باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۹۴).

در مورد بازی با بچه‌ها سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام این بود که با امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هم‌بازی می‌شدند. حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خود را

به بازی و مسابقه تشویق و گاهی با آنان به بازی مشغول می‌شدند و با حرکت‌ها و گفتارهای شیرین مادرانه و بالا و پایین انداختن فرزندان خود، آنان را از احساسات پاک مادری سیراب می‌نمود. حضرت زهراء علیها السلام در بازی خود با کودکانش از کلمات و جملات مناسبی استفاده می‌کردند، علاوه بر این در قالب بازی و شوخی، شخصیت کودک را تقویت نموده، او را به داشتن مفاخر و ارزش‌های اکتسابی تحریک و تهییج می‌کردند. نقل شده است که فاطمه علیها السلام با فرزندش امام حسن علیه السلام بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و می‌فرمود: "پسرم حسن مانند پدرت باش، ریسمان ظلم را از حق بر کن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هیچ‌گاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن." (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۲۸۶).

از ویژگی‌های خاص اخلاقی ایشان توجه فوق‌العاده به حجاب بود و حضرت حتی در مقابل فرد نابینا نیز خود را پنهان می‌نمودند و می‌فرمودند: اگر او مرا نمی‌بیند من او را می‌بینم و علاوه بر این او بوی مرا استشمام می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شهادت می‌دهم که تو پاره تن من هستی (مناقب خوارزمی، بی تا: ۳۸۰).

۵) شهربانو؛ مادر امام سجاد علیه السلام:

"شاه زنان" یا شهربانو مادر علی بن حسین علیه السلام دختر یزدگرد پادشاه ایران بوده است. و از این‌جا می‌توان فهمید که شاهزاده‌ای مانند او قطعاً تحت تربیت استادان و معلمان بزرگی بوده است. او مادر امام زین العابدین و سید الساجدین علیه السلام است. وی جدّه امامان معصوم علیهم السلام از نسل امام علی بن الحسین علیه السلام است. و ازدواج او با امام حسین علیه السلام پیوندی مقدس میان اعراب و ایرانیان را رقم زده است. امام علی علیه السلام او را مفتخر به لقب مریم یا فاطمه نمود زیرا او از زشتی‌ها پاک بود و مانند مریم علیها السلام فرزندی زاهد و عابد داشت و نزد زنان معروف به سیده زنان بود (مفید، بی تا: ۴۹۲). شهربانو اولین زنی پارسی بود که افتخار ورود به خاندان نبوت را پیدا کرد و مادر امام معصوم علیه السلام گردید، زیرا پیش از او مادران معصومین علیهم السلام همگی عرب و از تبار هاشم بودند. از میان صفات برجسته روحی این بانو عفت، پاکی، کمال، ادب و تیزهوشی است. به خاطر همین ویژگی‌های فراوان، خصال نیکو و صفات کریمه او بود

که امام علی (ع) به تزویج آن بزرگوار با فرزندش امام حسین (ع) اقدام نمود و به او نظر لطف و احسان داشت. افزون بر صفات روحی و مکارم اخلاقی، این بانو از جمال ظاهری و صورت نیکویی نیز برخوردار بود. این بانو به رغم نداشتن راهنما در دربار سلطنت مجوس و دور از تربیت اسلامی به اسلام علاقه‌مند شد و به مهد اسلام و خاندان طهارت و عصمت پا گذاشت (مظفری، ۱۳۸۲: ۱۴۲). امام علی (ع) به شهربانو محبت خاصی داشت و به فرزند خود امام حسین (ع) سفارش می‌کند که نسبت به آن بانو نیکی و احسان کند و می‌فرماید: به شهربانو نیکی کن که او پسندیده است و برای تو بهترین فرد روی زمین، بعد از تو را به دنیا خواهد آورد. امام علی (ع) به کسان خود می‌فرماید که شهربانو مادر پاکی برای امامان طاهرین (ع) خواهد شد و هم‌چنین فرمود: او مادر اوصیاء و ذراری پاک است. امام حسین (ع) برای همسر خود، شهربانو احترام و توجه بسیاری قایل بود و او را بر دیگر زنان خود مقدم می‌داشت. این بانوی یزرگوار در حمایت و زیر سایه امام حسین (ع) از حرمت و احترام خاصی برخوردار بود، تا آن‌جا که ناز و نعمت‌های زمان سلطنت پدرش را از یاد برد (امیری‌پور، ۱۳۸۴: ۵۲). و در کنار همسر بزرگوارش زندگی زاهدانه و سرشار از تقوا و نیکی را تجربه نمود.

۶) فاطمه دختر امام حسن (ع)؛ مادر امام باقر (ع):

فاطمه مادر امام محمد باقر (ع) دختر امام حسن مجتبی (ع) بوده است؛ لذا امام باقر (ع) هم از طرف پدر و هم از مادر "هاشمی"، "علوی" و "فاطمی" است و بر این اساس او اولین مولودی است که هم با امام حسن (ع) و هم امام حسین (ع) پیوند دارند. (العاملی، بی‌تا: ج ۱، ۶۵۰) و پاره‌ای از وجود ریحانه پیامبر (ص) به‌شمار می‌رفته، که این مطلب هم بر فضایل این بانو می‌افزاید. از ویژگی‌های بارز اخلاقی این بانوی ارجمند، صداقت و راستگویی ایشان بود که در زندگی زناشویی صداقت نقش بسیار مهمی دارد و امام سجاد (ع) همسرش فاطمه را "صدیقه" می‌نامید و امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: "فاطمه صدیقه‌ای بوده که در میان خاندان حسن مجتبی (ع) مانند او یافت نمی‌شده است" (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۶۹). این

بانوی ارجمند همراه با همسر خویش امام سجاد علیه السلام در واقعه جانسوز کربلا حضور داشتند، در حالی که فرزند دلبندشان امام باقر علیه السلام در آن موقع چهار یا پنج سال داشت و همراه ایشان بود. پس این بانوی عزیز در هیچ شرایطی همسر خویش را تنها نگذاشت و در سخت‌ترین شرایط که منجر به اسارت این عزیزان شد، در کنار همسر خود ماندند.

فاطمه عنایت ویژه‌ای در تربیت طفل عزیز خود داشت و به همین سبب امام باقر علیه السلام بعدها از مادر ارجمندش؛ به کرامات و معجزاتی که از او دیده بود، اشاره نموده و فرمود: روزی مادرم در کنار دیواری نشسته بود؛ به ناگاه دیوار در حال فروریختن در می‌آید. وی دستش را زیر دیوار قرار می‌دهد و می‌گوید: نه به حق مصطفی صلی الله علیه و آله خداوند به تو اجازه فرو ریختن بر سر من نخواهد داد! به دنبال این در خواست دیوار در همان حالت ثابت می‌ماند تا وی از زیر آن کنار می‌رود آن‌گاه فرو می‌ریزد! امام سجاد علیه السلام پس از اطلاع از این جریان، صد دینار به عنوان صدقه پرداخت می‌کند (مازندرانی، بی تا: ۴۴).

۷) ام‌فروه (فاطمه)؛ مادر امام صادق علیه السلام:

ام‌فروه، مادر امام صادق علیه السلام دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بوده است. پدرش قاسم، از اصحاب مورد اعتماد امام سجاد علیه السلام به شمار می‌آمده است و مادر ام‌فروه اسماء دختر عبد الرحمن بن ابی بکر بود. و فاطمه نیز زنی صالحه و عابده و از با تقواترین زنان زمان خویش به شمار می‌آمده است. امام صادق علیه السلام مادر بزرگوار خود را در زمره زنانی شمردند که اهل ایمان و تقوی و احسان بوده‌اند ایشان درباره مادر خویش می‌فرمایند: "کانت امی ممن أمنت و اتقیته و احسنت و الله یحب المحسنین" یعنی؛ مادر من از کسانی بود که ایمان داشت و با تقوا و نیکوکار بود و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۴۷۲، ۲) و به خاطر این ویژگی‌های برجسته اخلاقی این بانوی بزرگوار است که مردم فرزند ارجمندش امام صادق علیه السلام را "ابن المکرمه"؛ یعنی فرزند مادر ارجمند می‌نامیده‌اند.

مسعودی مورخ مشهور می‌گوید: فاطمه دختر قاسم از اصحاب موثق علی بن الحسین بوده و از با تقواترین زنان زمان خود به‌شمار می‌آمده است. وی روایت‌های متعددی را از علی

بن الحسین روایت نموده است (مسعودی، ۱۳۸۰: ۱۵۴). این بزرگوار چون راوی حدیث است پس وثاقت و تقوی و احسان ایشان قابل اثبات است.

ایشان بانویی عارف، صالح و در نهایت ورع و تقوا بود و علاوه بر تقوای الهی، از مقام علم و دانش نیز بهره‌ای وافر داشت. این بانوی با کرامت از محدثین بودند و به نقل از امامان (ع) و دفاع از آن‌ها احادیثی را روایت کرده‌اند. (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۷۲) ام‌فروه در طول کودکی و نوجوانی امام صادق (ع) در تعلیم و تربیت وی کوشید، هر چند خاندان اهل بیت (ع) خود مجسمه علم و ادب هستند. در این دوره، ام‌فروه آن چه را از همسرش آموخته بود، به فرزندش یادآوری می‌کرد. امام صادق (ع) نیز از مادرش به عنوان زنی با تقوا و با ایمان یاد می‌کرد (قمی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۷۷۲).

۸) حمیده مصفاه؛ مادر امام موسی کاظم (ع):

این دوشیزه پاک و مطهر فرزند صاعد از اهالی اندلس یا روم بود و ایشان از پدر و مادر پاک سیرتی که در دین و مذهب خود افرادی راسخ بودند، متولد شده و بعد با عنایت و توجه خاصی به امام معصوم (ع) ملحق می‌گردد. در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) یکی از راویان، ایشان را از اشراف عجم دانسته و گفته است: "حمیده المصفاه و کانت من اشراف العجم" (صدوق، بی تا: ج ۱، ۲۴) در هر صورت با توجه به روایات رسیده حضرت حمیده از بهترین نژادهای غیر عرب و جزء اهالی بربر یا مغرب یا اندلس یا روم بوده و ضمن جنگ یا حادثه‌ای دیگر اسیر گشته و با یک یا چند واسطه به دست امام باقر (ع) رسیده است. ایشان از بانوان پاک و مطهری است که هیچ‌گاه گرفتار شرک و فجور نگردید و او از ارحام طاهره‌ای است که لیاقت مادری ولی خدا را پیدا نمود و در سلسله مادران امامان (ع) قرار گرفت. نام شریف این بانوی گرانقدر حمیده است. امام صادق (ع) در اولین برخورد از ایشان پرسید: نامت چیست؟ گفت: حمیده. امام (ع) فرمود: "حمیده فی الدنیا، محموده فی الاخره"؛ یعنی تو در دنیا حمیده و در آخرت ستایش شده‌ای. لقب ایشان "مصفاه" به معنای پاک و خالص و پیراسته است. این لقب را امام باقر (ع) زمانی که می‌خواستند ایشان را به امام صادق (ع) هدیه کنند، انتخاب

کرده، فرمودند: "حمیده مصفاه من الادناس" یعنی؛ حمیده از بدی‌ها پاک شده است(کلینی، ۱۳۷۵: ج ۴۷۷، ۱).

و امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: "حمیده هم‌چون شمش طلا از هرگونه آلودگی پاک و پیراسته است؛ فرشتگان پیوسته از وی حفاظت می‌نمودند تا این که (به من پیوست و) کرامت خداوند به من و حجت خدا (برای امامت پس از من) را متولد نمود.(کلینی، ۱۳۷۵: ج ۴۷۷، ۱) امام صادق علیه السلام به تربیت و تعلیم همسرش پرداخت. حمیده به خوبی از وجود، لطف و صفای همسرش جهت تهذیب و آراسته شدن به اخلاق الهی و کسب مقام عبودیت خداوند، استفاده نمود و به مقام بلندی دست یافت. او به قدری در راه کسب علوم دینی جدیت نمود که به انتشار علوم اهل‌بیت علیهم السلام پرداخت. و این نشان‌گر این حقیقت است که حضرت حمیده از جمله فقهاء و مبلغان و مدرسان علوم اهل‌بیت علیهم السلام بوده و این وظیفه خطیر را به نحو احسن انجام می‌داده و دانش صادقی را در محدوده‌ای که ماموریت داشت، تبلیغ می‌کرده است. خانه‌ای که حمیده خاتون در آن بود، مورد لطف و عنایت و تکریم همه علوی‌ها بود و با ایشان محترمانه برخورد می‌شد. و امام صادق علیه السلام همه چشمه‌سار نیکی‌ها را بر او جاری می‌کرد(قریشی، ۱۳۷۵: ۱۹).

۹) تکتّم (نجمه خاتون)؛ مادر امام رضا علیه السلام:

نجمه مادر امام رضا علیه السلام گوهری است که خورشید خراسان و نگین قم، حضرت معصومه علیها السلام را پرورش داد. "تکتّم" از آن هنگام که توسط حمیده خاتون مادر امام کاظم علیه السلام خریداری شده، نام این بانو بود. در لغت عرب تکتّم به معنای چاه زمزم و چشمه است و شاید این نام از صفای روح و ادب این بزرگوار حکایت می‌کند. "نجمه" نیز به معنای ستاره درخشنده است. پس از تولد امام رضا علیه السلام نامش را "طاهره" گذاشتند که به معنای پاکیزه است.(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹) تکتّم به خاطر دینداری و خردمندی و بزرگداشت مادر همسرش "حمیده" از برجسته‌ترین زنان به‌شمار می‌آمده است؛ چنان که به خاطر شدت احترام به حمیده هرگز دیده نشده در برابر وی بنشینند! به همین سبب، حمیده به فرزندش موسی بن

جعفر عرض می‌کند: " فرزندم ! تکتتم کنیزی است که من تا به حال بهتر از او را ندیده‌ام! من تردید ندارم که اگر نسلی داشته باشد خداوند به نسل وی طهارت و پاکیزگی خواهد بخشید؛ لذا من او را به تو می‌بخشم تو نیز او را به خیر سفارش کن." (صدوق، بی‌تا: ج ۲، ۲۵).

وقتی که امام رضا (ع) به دنیا آمدند و در دامان ایشان پرورش و تربیت یافتند، ارزش این بانوی بزرگوار فراتر شد و هم‌چنین وی در عبادت خداوند بسیار کوشا و جدی بود؛ چنان‌که پس از تولد فرزندش از این که مبدا پرورش و شیر دادن آن کودک، فرصت عبادات و مناجات با خداوند را از او بگیرد، نگران می‌شود! لذا از بستگان خود برای شیر دادن آن کودک کمک می‌طلبد و از آن‌ها می‌خواهد تا دایه‌ای برای این کودک اجیر کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۹، ۵۹؛ صدوق، بی‌تا: ج ۱، ۱۱).

در عصری که نجمه خاتون زندگی می‌کرد بحران‌های سیاسی و اجتماعی آن عصر، تار و پود زندگی و قلب بنی‌هاشم و شیعیان را آشفته می‌کرد که بی‌شک اوج این غم‌ها، بازداشت‌های مکرر امام کاظم (ع) از سوی حکومت ستمگر بنی‌عباس و بود. و این بانوی گرامی در تمام این لحظات در کنار همسر خود، امام کاظم (ع) ایستادگی و مقاومت کرده و به تربیت فرزند دلبندهش امام رضا (ع) مشغول بود و در مدت اسارت امام کاظم (ع) با صبر و بردباری فراق آن حضرت و حوادث تلخ روزگار را تحمل می‌کرد. و در تمام لحظات وفادار و با گذشت بود. و به حقیقت این سیره اخلاقی و خانوادگی تمام این مادران بزرگوار می‌باشد.

۱۰ خیزران؛ مادر امام جواد (ع):

یکی دیگر از بانوان با فضیلت تاریخ و مادران نمونه دنیا که افتخار همسری انسان برگزیده و حجت بر حق خداوند، حضرت رضا (ع) و مادری حضرت امام جواد (ع) را پیدا نمود، خیزران است که مورد ستایش سه معصوم قرار گرفته است. اگر امامان معصوم (ع) نسبت به کسی اظهار محبت و علاقه و نیز مدح و تعریف نمایند از روی غرایز و تمایلات نفسانی نیست. بلکه تعریف و تمجید آن‌ها از کسی به سبب خصلت‌ها و ویژگی‌های پسندیده اخلاقی است که در آن فرد وجود دارد (مظفری، ۱۳۸۲: ۱۹۲). علامه مجلسی می‌گوید: مادر امام جواد (ع) کنیزی به نام دره بود که امام رضا (ع) او را خیزران نامید. به وی سبیکه و ریحانه نیز می‌گفتند و کنیه

ایشان ام‌الحسن بود. او از خاندان ماریه قبطیه همسر رسول خدا ﷺ، که ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ از اوست، می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۰، ۷؛ مفید، بی تا: ج ۲، ۳۷۳).

شیخ عباس قمی می‌گوید: خیزران از برترین زنان روزگار خویش بوده و آنجا که پیامبر فرموده: "بابی ابن خیره الاماء التوبیه الطیبه"؛ یعنی پدرم فدای بهترین کنیزان (نوبیه پاک- سرشت) (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۳۳۳، ۱). مقصود وی از بهترین کنیز خیزران (سبیکه) بوده که اهل نوبه بودند. از این سخن حضرت رسول خدا ﷺ برای این بانوی با فضیلت و قهرمان پرور، دو ویژگی به دست می‌آید. نخست آن که ایشان برترین کنیزان است دوم این که بانویی ارجمند و پاک سرشت و طیب است.

زمانی که امام رضا علیه السلام به سمت خراسان حرکت کردند خانواده ایشان در مدینه ماندند و سبیکه مادر امام جواد علیه السلام در کنار ایشان بودند و به تربیت و مراقبت از فرزند خود مشغول بودند. مقام این بانو از نظر معنوی آن قدر بالا بود که وقتی یکی از اصحاب حضرت از طرف خیزران علیه السلام نزد امام جواد علیه السلام آمد و از او یک پیراهن برای هنگام دفنش درخواست کرد، امام فرمود: به مادرم علیه السلام بگویید: اعمال او برای آخرتش او را کفایت می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۹۶۹: ج ۴، ۴۱۱).

۱۱) سمانه مغریه؛ مادر امام علی الهادی علیه السلام :

سمانه تحت نظر همسر خویش، امام جواد علیه السلام و در خانه امامت، یعنی محلی که دختران و نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله که سمبل شرافت، عفت و طهارت بودند، پرورش یافت؛ وی از هدایت‌گری و سلوک انسانی این خانواده بی‌نظیر متأثر شد و به اطاعت و عبادت خداوند روی آورد و از زنان شب زنده‌دار و از عبادت‌کنندگان خداوند و از تلاوت‌کنندگان قرآن به‌شمار می‌آمد (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۶). ایشان کسی بودند که در مدت کمی سرآمد زنان اهل فضل زمان خویش شده و به سعیده معروف گردید. او بیشتر اوقات روزه‌دار بود و در زهد و تقوا به مقام عظیمی نائل گردید. صحابه امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام سمانه را از امهات صدیقین و صالحین شمرده‌اند. بالاتر از همه این‌ها او افتخار یافت که دامنش، مهد پرورش خلیفه الهی گردد. مادر

امام هادی علیه السلام چنان دارای فضل و شایستگی بود که به وی کنیه ام‌الفضل را داده بودند (ابن شهر آشوب، ۱۹۶۹: ج ۴، ۴۰۱). که این لقب و کنیه به این جهت بود که ایشان کمالات و فضایل اخلاقی ویژه‌ای کسب کرده بودند. و در روایات او را از زنان عابده، با تعبیر "و کانت من القانتات" بر شمرده‌اند بودند. تمام فرزندان امام جواد علیه السلام از سمانه مغربیه علیها السلام است و امام جواد علیه السلام از ام‌فضل دختر مأمون فرزندی نداشتند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۵۰).

محمد بن فرج و علی بن مهزیار از امام هادی علیه السلام نقل نموده‌اند که فرمود: مادرم (سمانه) به حق من (یعنی به مقام و منزلت من در پیشگاه خداوند) آگاه است. او از اهل بهشت است. شیطان سرکش به او نزدیک نمی‌شود و کید هیچ ستمگر عنودی به او نمی‌رسد. او در برابر دیدگان همیشه بیدار خداوند، حفاظت و نگهداری می‌شود و با مادران صدیقان و صالحان هم رتبه است (دلایل الامامه، ۱۴۱۳: ۴۱۰). سمانه در مقام عبادت خداوند بسیار خاشع و خاضع بوده و با حق تعالی رابطه بسیار گرم و عمیق داشته است. ایشان بسیار خوب و سرشار از صداقت و پاکی و مهر بودند. وی از مقام معنوی والایی برخوردار بوده و در دوران زندگی امام هادی علیه السلام چه در مدینه و چه در سامرا، با آن حضرت همراه و همدل بوده است. بازداشت‌های مکرر امام هادی علیه السلام و اختناق جو موجود در عصر متوکل، برای این بانو نیز مانند دیگر اعضای خانواده حضرت مشکلاتی به وجود می‌آورد، به ویژه که او مادر فرزندی از امام جواد علیه السلام بود که مقرر بود مقام امامت را بر عهده گیرد. سمانه در زمره زنان راوی حدیث نام برده شده است. با توجه به این که وی مادر و همسر امام علیه السلام بود، بدون شک مطلبی از گفتار یا کردار ایشان نقل کرده است (قهپایی، بی‌تا: ج ۲، ۱۷۶). به نقل از نهله غروی ناینی، شماره ۱۲، ۴۵).

۱۲) سوسن (سلیل)؛ مادر امام حسن عسکری علیه السلام:

مادر امام حسن عسکری علیه السلام از زنان عارفه و صالحه روزگار به شمار می‌آمده و امام هادی علیه السلام از او به شایستگی یاد نموده و مقام و منزلتش را ستوده است. او در زادگاه خود از بزرگ زادگان بود. بنابراین تحت تربیت خاصی قرار داشت. وی سه امام معصوم را درک نمود. علامه مجلسی می‌گوید: نام او را حدیث، سلیل و سوسن گفته‌اند که صحیح، سلیل است. آن

زن؛ عفیف و کریم و در نهایت صلاح، ورع و تقوا بود. (مجلسی، بی تا: ۹۸۹) وی یگانه همسر امام هادی علیه السلام بود و نسل امامت از دامن پاک و مطهرش ادامه یافت. این بانوی بزرگ زاده و پاکدامن در حدود سال‌های ۲۲۵ تا ۲۲۹ ه.ق با خاندان نبوت و امامت ارتباط و پیوند پیدا کرد و جزء "عروسان بنی هاشم" قرار گرفت (محلّاتی، ۱۳۶۸: ج ۳، ۲۴). زمانی که سلیل علیه السلام مادر امام حسن عسکری علیه السلام به محضر امام هادی علیه السلام رسید، آن حضرت در ستایش و مدح او فرمود: "سلیل از بدی‌ها، پلیدی‌ها، زشتی‌ها، ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها، پاک و عاری است. در ادامه، امام هادی علیه السلام چنین بشارت داد: "به زودی خداوند، از دامن و نسل سلیل حجت الهی بر خلق خود (مهدی موعود علیه السلام) را موهبت و عطا می‌کند. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است (مسعودی، ۱۳۸۰: ۳۲۶؛ خسروی، ۱۳۶۴: ج ۲، ۶). این بانوی بزرگوار در تربیت فرزند خود بر حسب تعلیمات امام زمان علیه السلام خود با کمال مراقبت می‌کوشید و نشو و نمو امام یازدهم علیه السلام در مهد تربیت امام دهم علیه السلام بر طبق آموزش و پرورش مکتب نبوت بود. این بانوی بزرگوار به منزلهٔ ملکهٔ اسلام در مدینه می‌زیست و زنان بزرگ عرب و مشایخ علماء در محضر او جمع می‌شدند و به وسیلهٔ او کسب فیض می‌کردند. وی در فن تربیت و تعلیم کودک، نهایت مهارت و مراقبت را داشت. (امیری‌پور، ۱۳۸۴: ۲۲۸) بنا بر گزارش‌های تاریخی و روایات، امام حسن عسکری علیه السلام پیش از شهادت، روزی با مادر خویش، سوسن علیه السلام دربارهٔ وقایع سال ۲۶۰ هجری و شهادت و مسموم شدنش سخن گفت و او را از اخبار و رویدادهای آن سال آگاه کرد، سپس مهدی موعود علیه السلام را به او سپرد تا از سامراء خارج کند و برای سفر حج به مکه برود. پس این بانو برای امام علیه السلام قابل اطمینان بود و حتی نسبت به بسیاری از مردان مورد وثوق حضرت علیه السلام که برخی از وکلای ایشان به شمار می‌آمدند، بیشتر مورد توجه امام علیه السلام بوده و شهادت و عظمت روحی وی برای امام علیه السلام اثبات شده بود. امام عسکری علیه السلام به شیعیان فرموده بودند که بعد از من به مادرم سوسن مراجعه کنید و روشن است، وقتی یک زن در بحران سیاسی و سرگستگی، پناه شیعیان باشد و رهبر جامعه، او را وصی خویش در امور اقتصادی - دینی جامعه قرار دهد، از مقام و موقعیت والاّیی

برخوردار است و نقش اجتماعی - سیاسی مهمی برعهده دارد، زیرا تا وقتی ظرفیت و توانایی افراد امتحان نشود هرگز از سوی اولیای دین، مسئولیت‌ها و منصب‌های کلیدی به آنان واگذار نخواهد شد، به ویژه اگر از جامعه زنان باشد که، در امور اجتماعی از مردان آسیب‌پذیرترند. (طیبی، مجله بانوان شیعه، ۲۴).

نرجس خاتون؛ مادر امام مهدی علیه السلام:

نرجس مادر حضرت مهدی علیه السلام و همسر امام حسن عسکری علیه السلام است. خداوند متعال به او شرافت و سعادت بزرگی در دنیا و آخرت عنایت نموده است. نام های مادر امام مهدی علیه السلام عبارت است از: ملیکه، صیقل، سوسن، ریحانه و نرجس علیها السلام (مفید، بی‌تا: ۶۷۲). مادر امام زمان علیه السلام از خاندانی با فضیلت و بزرگ‌زاده بودند که در جنگ بین مسلمانان و روم اسیر می‌شوند و به عنوان کنیز وارد خانه امام علیه السلام می‌گردند و همدم خورشید ولایت می‌شوند. ایشان بانویی شایسته بودند که سه امام معصوم علیهم السلام (امام علی‌النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام و امام مهدی علیه السلام) را درک نمودند) و نسل ایشان به شمعون بن حمون الصفا وصی و حواری حضرت عیسی علیه السلام می‌رسید(صدوق، بی‌تا: ج ۵۹، ۲). ایشان چون از شاهزادگان بودند، از همان کودکی تحت تربیت و آموزش‌های خاصی قرار گرفتند و غیر از آموزش زبان رومی، زبان عربی را نیز فرا گرفتند و چون شاهزاده رومی بودند، بهترین آموزگاران قسطنطنیه برای ایشان انتخاب شدند. و برای تربیت ایشان نهایت تلاش و کوشش صورت گرفت. وقتی نرجس خاتون علیها السلام به دست امام علی‌النقی علیه السلام رسید به خواهرش حکیمه خاتون فرمود: او را بردار و به منزل خود ببر و آداب فرائض و سنن احکام را به او تعلیم بنما که او زوجه فرزندم ابومحمد علیه السلام و والده حضرت قائم علیه السلام می‌باشد(قمی، بی‌تا: ج ۲، ۱۱۴۲). حکیمه خاتون مدت کوتاهی را با نرجس علیها السلام به سر برد و سنن و فرائض دینی را به او آموخت. سپس مقدمات ازدواج وی را با امام عسکری علیه السلام فراهم نمود (همان، ۱۱۳۷).

ایشان بسیار با عفت و پرهیزگار بود. فضایل و مناقب و ویژگی‌های برجسته اخلاقی این بانو به قدری بود که حکیمه خاتون خواهر امام هادی علیه السلام که خود از بانوان عالی‌قدر خاندان

امامت علیه السلام بود، او را سرآمد و سرور خاندان خویش می‌داند و خود را خدمتگزار او می‌نامد (صدوق، بی‌تا: ج ۲، ۴۳۰). ایشان هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام در سامراء و در نزد امام و همسر بزرگوار خود بودند. (صدوق، بی‌تا: ۴۷۲). و به ایشان رسیدگی می‌کردند و تحت هیچ شرایطی امام و همسر خود را تنها نگذاشتند. در زیارت‌نامه مخصوص نرجس خاتون ویژگی‌های بارز اخلاقی و سیره خانوادگی این بانوی ارجمند آمده است از جمله: "سلام بر تو ای بانوی راستگو و پسندیده. سلام بر تو ای بانوی متقی و پاکیزه‌ای بانویی که اسرار پروردگار جهانیان به تو ودیعه گذارده شد. گواهی می‌دهم که تو به خوبی مادری نمودی، امانت را ادا کردی؛ در راستای جلب رضای پروردگار کوشیدی، برای خدا صبر ورزیدی؛ سر الهی را حفظ داشتی؛ ولی خدا را حمل نمودی؛ در حفظ و نگهداری حجت خدا، بیشترین تلاش را کردی؛ در وصلت، به فرزندان رسول خدا روی آوردی؛ آشنا به حق آنان بودی؛ به صدق و راستی آنان ایمان داشتی؛ به مقام و جایگاهشان معترف بودی؛ به دستور و ولایتشان بینا و دوستار آنان بودی؛ و انتخاب شده دل خواه آنان بودی؛ پسندیده و پسندیده شده و با تقوا و خالص و پاک بودی؛ خدا از تو راضی باد و تو را راضی نماید؛ پس گوارا باد بر تو آن چه خدا برایت از کرامات بخشیده است (ابن طاووس، بی‌تا: ۴۱۳).

نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت تمام مادران از آمنه علیها السلام تا نرجس خاتون علیها السلام دارای صفاتی هم‌چون: ایمان، عبادت، اطاعت از خداوند متعال، خلوص در عبودیت، تسلیم در برابر امر الهی، عشق به الله، تربیت فرزند و فداکاری در راه عقیده داشتند و این ویژگی‌ها در زندگی آنان به وضوح به چشم می‌خورد. و آن چه آنان را در اذهان و قلوب زنده نگاه داشته، اخلاص آنان است. و امامان معصوم علیهم السلام بی‌گمان حاصل همین اخلاص پاک مادران خویش می‌باشند. زندگانی مادران معصوم علیهم السلام و ویژگی‌های برجسته اخلاقی آنان و رفتار زیبای آنان با خانواده می‌تواند برای ما بهترین الگو و روش صحیح زندگی، به ویژه برای قشر بانوان مسلمان باشد. نقش تربیتی مادر، امانت و موهبت الهی است که خداوند

افتخار آن را به زنان داده است. و قطعاً مادران چهارده معصوم علیهم السلام دارای صفات و ملکات نیکویی بودند که مورد عنایت پروردگار واقع شده و به مقام مادری امامان علیهم السلام و تربیت و پرورش معصومین علیهم السلام رسیدند.

- اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، تهران: اسماعیلیان، بی تا.
- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ترجمه جواد فاضلی، قم: ذی القربی، ۱۹۶۹م.
- جلوه های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام، انصاری، عذرا، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۲.
- زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ارفع، سید کاظم، تهران: اشارات طلایی، ۱۳۸۹.
- مادران چهارده معصوم علیهم السلام، امیری پور، احمد، مشهد: راز توکل، ۱۳۸۴.
- آمنه مادر پیامبر صلی الله علیه و آله، بنت الشاطی، عایشه، ترجمه احمد صادقی اردستانی، تهران: علم، ۱۳۸۸.
- زنان نامدار تاریخ اسلام، بهشتی، احمد، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- عیون اخبار الرضا، صدوق، محمد بن بابویه قمی، ترجمه و شرح محمد تقی اصفهانی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، بی تا.
- زندگانی عسکریین علیهم السلام، خسروی، موسی، تهران: اسلامی، ۱۳۶۴.
- دلایل الامامیه، طبری، ابن جریر، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
- همسران با فضیلت، ظهیری، علی اصغر، قم: عصر ظهور، ۱۳۷۸.
- حیاة الامام موسی بن جعفر علیه السلام، قریشی، باقر شریف، ترجمه سید حسن اسلامی، قم: اسلامی، ۱۳۷۵.
- الانوار البهیة، قمی، عباس، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- مادران آسمانی، قهرمانی نژاد شائق، بهاء الدین، قم: فقه، ۱۳۷۸.
- فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، کرمی فریدنی، علی، قم: دفتر فرهنگی نسیم انتظار، ۱۳۸۵.
- اصول کافی، کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، ترجمه باقر کمره ای، قم: اسوه، ۱۳۷۵.
- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
- دامان مهر، محمدی، حسین، قم: تهذیب، ۱۳۸۱.
- بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بیروت: دارالحیاء التراث العربیه، ۱۴۰۳ه.ق.

- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام، مجلسی، محمدباقر، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- جلاء العیون، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بی جا، اسوه، بی تا.
- ریاحین الشریعه، محلاتی، ذبیح الله، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۸.
- جوانی علی علیه السلام، محمودی، اسماعیل، تهران: فروزان، ۱۳۸۷.
- اثبات الوصیه، مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ترجمه سیدمحمدجواد ذهنی تهرانی، قم: مومنین، ۱۳۸۰.
- سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مطهری، مرتضی، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
- مادران چهارده معصوم علیهم السلام، مظفری ورسی، حیدر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- شرح الاخبار فی فضائل ائمه الاطهار، مغربی، قاضی نعمان بن محمد، تحقیق: سیدمحمد حسینی جلالی، قم: نشر اسلامی، بی تا.
- الارشاد، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ترجمه رسولی محلاتی، تهران: اسلامی، بی تا.
- قصه های مادران معصومین علیهم السلام، نعیمی، جواد، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
- فرهنگ فاطمیه، نیلی پور، مهدی، اصفهان: مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۰.
- صحیح مسلم، نیشابوری، مسلم بن حجاج، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- سرور زنان جهان ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، هاشمی نژاد، اکرم السادات، تهران: نو آور، ۱۳۸۷.
- مقاله نامه
- اصغری نژاد، محمد، مروری بر حیات نورانی بانوی ستوده حضرت حمیده علیها السلام، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، سال ۴، شماره ۱۲، ۱۳۸۶ش.
- طیبی، ناهید، "نقش سیاسی، اجتماعی مادران ائمه علیهن السلام"، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، شماره ۶-۷، سال ۱۳۸۴.